

# چیستی و آثار دُرّ نجف

محمدحسین خوشنویس

## چکیده

دُرّ، سنگی مانند دیگر سنگ‌هاست که به وفور در طبیعت‌های بیابانی یافت می‌شود و مانند برخی سنگ‌های دیگر اثرگذار است. دُرّ نجف به سبب انتساب به نجف اشرف و وادی السلام، نزد شیعیان و دوست‌داران امیرمؤمنان علیه السلام جایگاه ویژه‌ای دارد. برای دُرّ نجف آثار و خواص گوناگون مادی و معنوی بیان شده است. از این رو، درباره تاریخچه پیدایش دُرّ نجف، انواع آن، مراحل تهیه و جمع‌آوری تا تراش و پردازش و خرید و فروش آن نکات گوناگونی وجود دارد.

در این نوشتار، ضمن بیان ثواب دُرّ نجف در روایات اهل بیت علیهم السلام و خواص و آثار آن، به صنعت تهیه و فروش آن در شهر نجف اشرف اشاره می‌کنیم.

**واژگان کلیدی:** نجف اشرف، دُرّ نجف، وادی السلام، روایات.

دُرّ نجف سنگ ارزشمندی است که در نجف اشرف یافت می‌شود و روایاتی درباره خواص و آثار آن وجود دارد. به همین دلیل بسیاری از مسلمین به آن اهمیت می‌دهند و تهیه، عرضه و خرید آن را به یک صنعت تبدیل کرده‌اند. به سبب فراوانی این سنگ در وادی السلام نجف، آن را دُرّ نجف نامیده‌اند. به گفته برخی علمای معاصر، این سنگ از نعمت‌های خدا در این سرزمین مقدس (نجف) است. دُرّ نجف به ویژه در روزهای بارانی، پس از تابیدن خورشید به راحتی یافت می‌شود (طبسی، ۱۳۹۱ق، ص ۱۰۸).

این سنگ در علوم مختلفی همچون فقه، ادبیات و پزشکی جایگاه ممتازی دارد. در این نوشتار، درباره ماهیت، تاریخچه و شیوه پیدایش و انواع مختلف دُرّ و بازار دُرّ نجف در عراق و آثار این سنگ و جایگاه آن سخن خواهیم گفت. در این پژوهش از دو کتاب *نفحات نجفی* اثر محسن عبدالصاحب مظفر و *الدر الثمین فی التختیم بالیمین* اثر آیت‌الله طبسی نجفی در کنار دیگر منابع علمی بهره فراوانی برده‌ایم.

### چیستی دُرّ

کلوخ دُرّ، نوعی سنگ شبیه شیشه و از خانواده سنگ‌های کوارتز است که در بیابان‌ها و به سبب عوامل آب و هوایی، بدون دخالت عامل انسانی به عمل می‌آید. انسان‌ها این سنگ را صیقل می‌دهند و به شکل‌های مختلف درمی‌آورند؛ به گونه‌ای که صنعت نگین‌سازی، تسبیح‌سازی و لوسترسازی با ماده خام این سنگ راه‌اندازی شده است. گاهی نیز نقش و نگار گوناگون یا اسامی اولیای خدا و آیات قرآن کریم را بر روی آن حکاکی می‌کنند. سنگ‌های این منطقه، میان اقوام پیش از اسلام نیز مطرح بوده و آن را سنگ درخشان و یا سنگ براق می‌نامیدند. زمین‌های پشت شهر کوفه را با این سنگ می‌شناختند.

عواملی همچون خاک، باران، حرارت آفتاب، سرعت خشک شدن سطح زمین، تغییرات رطوبتی و دمایی، جنس خاک در پدید آمدن چنین سنگ درخشنده‌ای مؤثرند. ساکنان منطقه

حیره، این سنگ درخشان را خوب می‌شناسند و برای یافتن آن به بیابان‌های نجف می‌روند. به خاطر وجود سنگ‌های براق در این منطقه آن را بارق نام نهاده‌اند، با اینکه این نام امروزه معروف و متداول نیست (مظفر، ۲۰۱۱م، ص ۱۵۴).

اهل حیره زیباترین دُر‌ها را پس از جمع‌آوری به زنانشان می‌دادند تا به گردن بیاویزند. آنها معتقد بودند که این سنگ جایگزین شایسته‌ای برای یاقوت است.

گفتنی است گل سفت شده و ابتدایی دُرّ پیش از تراش کاری، هر قدر تیره‌تر باشد به اصل نزدیک‌تر است و پس از تراش کاری، شفاف‌تر می‌شود. خاک این نوع سنگ که به دُرّ معروف شده در ایران و برزیل، معادن محدودی دارد.

## انواع دُرّ

دُرّ نجف با توجه به شکل و رنگ انواع گوناگونی دارد:

۱. دُرّ سفید که به آن دُرّ ستاره‌ای [به سبب شباهت به ستاره در سفیدی و درخشندگی] می‌گویند.

۲. دُرّ نفتی [به سبب شباهت رنگش به نفت] درخشندگی خاصی دارد که به سیاهی می‌زند.

۳. دُرّ حسینی که به رنگ قرمز است؛ گاهی قرمز کدر و گاهی قرمز شفاف. گاهی نیز رگه‌های قرمز رنگ در آن به چشم می‌خورد.

۴. دُرّ مودار که دارای رگه‌هایی سیاه رنگ شبیه موی سر است. این خطوط با یک رگه آغاز و سپس به چند شاخه منشعب می‌شود.

مرحوم آیت‌الله طبری در کتاب الدرّ الثمین می‌نویسد:

در نقل‌ها آمده که امیرمؤمنان (علیه السلام) موی سر مبارکش را در صحرای نجف کوتاه نمود و آنها را در بیابان رها کرد و رگه‌های مشکلی در این نوع از دُرّ، موهای مبارک حضرت است که از درون آن دیده می‌شود (طبری، ۱۳۹۱، ص ۱۰۹).

۵. دُرّ کهربایی که به سبب رنگ زردش، به این نام معروف شده است.

بدل این سنگ‌ها و به تعبیری دُرّهای مصنوعی و دست‌ساز، در نقاط دیگر عالم به ویژه در چین و ترکیه نیز دیده می‌شود، ولی با کمی دقت در شفافیت، می‌توان اصل را از بدل تشخیص داد. به گونه‌ای که دُرّ نجف بر خلاف سنگ‌های دیگر با تراش دادن شفاف می‌شود.

### تاریخچه دُرّ نجف

ایده استفاده از دُرّ برای ساخت انگشتر ابتدا در سال ۷۵۵ میلادی از شهر نجف آغاز شد و در سال ۹۰۰ میلادی افرادی از این شهر کوچک، این ایده را اجرا و انگشترهایی با دُرّ نجف تولید کردند. البته پیش از آن زنان کوفی به تقلید از زنان حیره دُرّ نجف را برای زینت به کار می‌بردند. پطرس یوسف، کشیش مسیحی لبنانی تبار (۱۹۴۷م.) می‌گوید:

در یکی از شهرهای عراق، بلوری صاف و شفاف یافت می‌شود که از آن انگشتر و وسایل دیگر می‌سازند. این بلور در دوره جاهلیت و صدر اسلام تا دوره عباسی زیاد بود و رفته‌رفته حسن شهرتش سراسر عراق و خارج آن را فراگرفت و به آن دُرّ نجف گفته می‌شود. از این سنگ، انواع چراغ و لوستر در کشور مصر ساخته می‌شود (پطرس، بی‌تا، ص ۱۷۸).

دکتر عبدالعزیز دوری می‌گوید:

در برخی دوره‌ها به این ریگ‌های نجف، دُرّ گفته‌اند درحالی‌که بلور و شیشه‌ای است که از آن انگشتر و برخی وسایل زینتی ساخته می‌شود. از آنجایی که این سنگ مربوط به نجف است به آن دُرّ نجف گفته می‌شود (دوری، بی‌تا، ص ۴۴).

غرب شهر نجف اشرف را دریای نجف می‌نامند، با اینکه قسمت بیشتر آن بیابان است. در مسافتی از همین بخش تا حدود صد کیلومتر، ریگ‌هایی با رنگ‌ها و شکل‌ها و اندازه‌های مختلف یافت می‌شود. دُرّ نجف به سبب براقیتی که دارد، به سادگی از دیگر ریگ‌ها قابل تشخیص است. این سنگ در زمانی مشخص و در یک روز آفتابی پس از بارندگی، جمع‌آوری می‌شود. باران سنگ‌ها را شست‌وشو می‌دهد و آفتاب پس از باران، درخشندگی این سنگ‌ها را دوچندان می‌کند و این‌گونه مردم این سنگ‌ها را می‌یابند و جمع‌آوری می‌کنند.

نجفی‌ها خوب می‌دانند این سنگ‌ها کی و کجا بیشتر یافت می‌شود. این در، در بیابان

کوفه، وادی السلام و منطقه بین حیره و نجف نیز دیده شده است.

### تهیه و ساخت دُرّ

پس از جمع‌آوری این سنگ‌های خام، آنها را به صنعتگران این حرفه می‌فروشند که پیش از تراشکاری، بسیار ارزانند و بیشتر به صورت عمده فروخته می‌شوند. تراشکاری دُرّ نجف در کارگاه‌های مخصوص انجام می‌شود. البته در برخی خانه‌های قدیمی مرکزی شهر نیز به تراشکاری سنگ‌ها می‌پردازند. در سال ۲۰۱۲ میلادی، تعداد تراشکاران اصلی دُرّ نجف به پانصد نفر می‌رسید. سنگ کوارتز برای تبدیل به دُرّ چند مرحله را می‌گذراند:

۱. شست‌وشو از خاک و گل؛
۲. صیقل دادن که نجفی‌ها نسل به نسل این حرفه را به یکدیگر منتقل کرده‌اند؛
۳. شکل‌دهی که در این مرحله سنگ‌ها به شکل مطلوب و دلخواه درمی‌آید؛
۴. نقش و نگار زدن که در این مرحله نوشته یا تصاویر بر روی سنگ حکاکی می‌شود که سخت‌ترین و دقیق‌ترین مرحله است و نیاز به مهارت بالایی دارد؛
۵. آب‌بندی که در این مرحله پس از تراش پایانی بر کل کار لبه‌های تیز گرفته و درزها پر می‌شود؛
۶. براق‌سازی که مرحله پایانی است و از سنباده مخصوص برای آن بهره گرفته می‌شود؛
۷. تعیین کاربری که در این مرحله نوع استفاده از سنگ معلوم می‌شود؛ مثلاً هنگام تولید دانه تسبیح سنگ باید سوراخ شود. همچنین نگین انگشتر بر روی رکاب نصب می‌گردد و برای تولید لوستر و چراغ سنگ متناسب با آن تغییر شکل پیدا می‌کند.

### دُرّ نجف در روایات

نجفی‌ها بر این باورند که نگاه کردن به دُرّ مانند زیارت مرقد امیرمؤمنان علیه السلام است، بلکه نگاه کردن به آن با دیدن چهره رسول خدا صلی الله علیه و آله و علی مرتضی علیه السلام برابری می‌کند. به همراه

داشتنش انسان را از شرّ شیطان مصون می‌دارد (اعلمی، ۲۰۰۰م، ص ۱۵۸؛ عقیل، ۲۰۰۷م، ص ۳۷۴؛ طبسی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۸).

در حلیة المتقین به نقل از مفضّل چنین روایت شده است:

روزی بر امام صادق علیه السلام وارد شدم. حضرت به من فرمود: ای مفضّل! دوست دارم به دست مؤمن یکی از این چند انگشتر باشد: عقیق، فیروزه، یاقوت و دُرّ نجف. مفضّل پرسید: دُرّ نجف چیست؟ حضرت فرمود: آن سنگی است که خداوند آن را در آن تلّ سفید رنگ در غریّ ظاهر می‌کند و هر کس دُرّ نجف به دست داشته باشد، برای هر نگاهی که به آن می‌اندازد، خداوند ثواب یک زیارت مقبول (حج و یا عمره) که با ثواب عمل تمام پیامبران و صالحین برابر است به او عنایت می‌کند. اگر رحمت خدا بر شیعیان نبود، هر دانه از آن چنان گران می‌شد که هیچ کسی توانایی خرید آن را نداشت، ولی خداوند ارزان و فراوان آن را در اختیار شما قرار داد تا دارا و ندار آن را تهیه کنند (آل محبوبه، ۱۹۵۸م، ص ۱۵؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۳۷).

در روایت آمده است که فردی به نام ابوطالب درباره درستی این حدیث از امام عسکری علیه السلام پرسید. حضرت فرمود: «بله این حدیث جَدَم امام صادق علیه السلام است» (مجلسی، ۱۱۱۰ق، ص ۶۷). بر اساس این روایات بسیاری از مردم انگشتر دُرّ نجف به دست می‌کنند که همین امر باعث رواج خرید و فروش آن شده است. آنان معتقدند که انگشتر دُرّ نجف و تسبیح، برایشان اطمینان قلب، عافیت در جسم و جان، فزونی روزی، جلب محبت و آرامش روحی، دوری از خشم، محبت به دیگران، دوری از درد و بیماری را به همراه دارد (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۴۰۳).

در روایتی آمده است که امام صادق علیه السلام پیوسته برای زیارت مرقد جدشان امیر مؤمنان علیه السلام به نجف می‌آمدند و از آنجا به سمت کربلا می‌رفتند. وقتی به نجف می‌رسیدند، بر فضیلت خاک و زمین آن تأکید می‌کردند و می‌گفتند این لطف خدا بر شیعیان است که دُرّ نجف زیبا، درخشنده، پر مزیت و در عین حال ارزان است (همان، ج ۱۴، ص ۴۰۳).

## در نجف در فقه

در فرهنگ فقه در تعریف واژه در نجف آمده است:

سنگ قیمتی منسوب به نجف اشرف. در نجف، سنگی است سفید و شفاف در سرزمین نجف اشرف که از آن نگین انگشتر می‌سازند (دهخدا، ۱۳۷۲ش، واژه در). در ابواب نماز و زیارت از در نجف بحث شده است. در دست کردن انگشتری که نگینش در نجف باشد و زیاد نگاه کردن به آن مستحب است (شاهرودی، ۱۳۸۷ش، ج ۳، واژه در نجف).

شهید اول در باب نماز از کتاب دروس می‌فرماید: «انگشتر به دست راست در هنگام نماز مستحب و به دست چپ مکروه است». سپس در ادامه به بیان فوائد سنگ‌های گوناگون می‌پردازد و نوبت به در که می‌رسد چنین می‌نویسد:

«و بِالْحَجَرِ الْعَرَوِيِّ عَلِيَّ اخْتِلافِ الْاَلْوَانِ وَ الْاَبْيَضِ اَفْضَلُ؛ وَ بِه انْكَشَتْ دَاخِطِنَ سِنْجِ نَجْفِيٍّ  
در همه رنگ‌هایش مستحب است و رنگ سفید ثواب بیشتری دارد» (شهید اول، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۱۵۲؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۳۳).

## در نجف در شعر

شاعران سروده‌های زیادی درباره در نجف از خود به یادگار نهاده‌اند؛ حتی برخی، سروده‌های خود را بر روی در نقش می‌بستند. در نقل‌ها آمده که حسین عاملی پدر شیخ بهایی، در قرمز رنگی در مسجد کوفه پیدا کرد که دو بیت بر آن نقش بسته بود که محتوای آن به قیام خونین کربلا اشاره داشت و می‌گفت:

أنا درُّ من السماء نثروني يوم تزويج والد السبطين

كنت أجلى من اللجين بياضاً صبغتي دم نحر الحسيني

«من دری از آسمان هستم که مرا به پدر بزرگوار حسین علیه السلام هدیه کردند و من شفاف‌تر و سفیدتر از آب دریا هستم و اما رنگ قرمز من از خون حسین علیه السلام است» [و به همین سبب در قرمز را در حسین نامیده‌اند].

شعرایی مانند جلال خالدي نیز اشعاری اینچنین درباره دُرّ نجف سروده‌اند:  
 بنت الطبیعة ما أجلاک طلعة غراء دام أمامک إطراقی  
 زدت الطبیعة روعة فعلقتها و صرفت نحو جمالها أشواقی  
 ما كان أجملہ أمامک مشهداً یا نفس فاض بحسنة دفاقی  
 ینسی المتیّم کلّ ما یشکوه من أيام هجرٍ أو زمان فراقی

«ای فرزند طبیعت! چقدر زیبا و درخشنده‌ای که با روشنی‌ات راهم روشن می‌شود. تو به طبیعت جلوه دیگری بخشیده‌ای و من با تمام اشتیاق به زیبایی تو نگاه می‌کنم. چقدر زیبایی در کنارت مشهود علی‌الغالب است. ای جان من! برس به زیبایی نگاهش. کسی که به تو می‌رسد از دوری ایشان شکایت می‌کند».

سیدحیدر حلی که در کتاب *اعیان الشیعة* (ج ۱۵، ص ۷۳) معرفی شده نیز سروده‌هایی در این باره دارد. در بخشی از این سروده‌ها آمده:  
 لو أنّی صغْتُ عینَ الشمس منظرَةً نالت بعینک غایة الشرف  
 و لکنّها و هی فی أعلى مطالعها أنا تقاس بدرّ من حصی النجف

«اگر من از چشم خورشید به تو نگاه کنم، این خورشید است که از فیض نگاهت لبریز می‌شود و صد البته که خورشید، در نهایت والایی، قابل قیاس با درّی از درّهای نجف است».  
 در کتاب *ادب الطّف* که مرحوم جواد شبر تألیف کرده در بیوگرافی سیدحسین رضوی (م ۱۱۵۶م). نیز نمونه‌هایی از اشعار او در توصیف دُرّ نجف آورده شده است (شبر، ج ۵، ص ۲۳۶).

صفت و رقت حسناً بمعنی عجاب روح من الماء حلت فی قالب من حباب  
 «توصیف می‌کنم چیز شگفت‌انگیزی که به تمام معنا عجب است. روحی لطیف مانند آب دارد که در قالب شیشه‌ای حبابی حلول کرده».



شاعران دیگری نیز در این باره سروده‌هایی دارند که به برخی اشاره می‌کنیم:

نابغه ذبیانی:

بالدرّ و یاقوت زین نحرها و مفصل من لؤلؤ و زبرجد

«با درّ و یاقوت گردنش را تزیین کرده و در دست دستبندی از لؤلؤ و زمرد دارد».

متنبی:

بیاض وجه یریک الشمس کالحة و لفظ درّ یریک الدرّ مخشلبا

کأن الفرید و الدرّ و یاقوت من لفظه و سام الرکاز

«سفیدی رویت خورشید را کم می‌کند و نامت کلمه درّ را در پوست خود نمی‌گنجاند

گویا که یاقوت و فرید و درّ با شنیدن نامش صاف و صیقلی شده‌اند».

ابو نواس:

و مکّلل بالدرّ و المرجان کالورد بین شقائق النعمان

ظبی کأن الله ألبسه قشور الدرّ جلدًا

و تری فی و جناته فی ای حین شئت وردا

«تزیین شده با درّ و مرجان به مانند گلی در میان شقائق نعمان. آهویی که گویی خدا از درّ

پوستی بر او کشیده و از هر طرف که به او نگاه می‌کنی گلی زیبا می‌بینی».

صنوبری:

الجزع و یاقوت و الدرّ عیناک و الخدّان و الشعر

«جزع و یاقوت و درّ دو چشم تو و دو گونه تو و موی سپید تو هستند».

حاتم طایی:

و علّقن فی أعناقهنّ لناظر جماناً و یاقوتاً و درّاً مؤلّفاً

«آنها برای بینندگان به گردن خود یاقوت و درّ آویخته‌اند».

ابوالفرج بن هندو:  
و ما قيمة الدرّ الثمين و قدره و لم تنكسر أصدافه و يفصل  
و الدرّ يحسن في نحر الكعاب ولا تبدو محاسنه ما ضمه الصدف

«ارزش درّ گران بها و اندازه آن چقدر است درحالی که صدف خود را نشکسته و جدا  
نشده و درّ در گردن آن جوانان زیباست و تا در صدف باشد زیبایی اش را نشان نمی دهد».  
شاعر گمنام:

أرى الدرّ يتقبه الناظمون و لم يثبوا إذا فكيف انتظم

«می بینم که درّی را پیشه‌وران تراش می دهند و دلشان به رحم نمی آید پس چه کنند؟»  
جمیل بن معمر معروف به عذری:  
من البيض معطار يزین لبانها جبان و یاقوت و درّ مؤلف

«از سفیدی شیشه عطری که دور تا دور آن با یاقوت و درّ تزئین شده در شکفتم».  
شیخ قاسم محی الدین:

فما وحقك ما طابت مجالسنا من یوم فرقتنا یا درّة النجف

«پس چرا از روزی که از ما جدا شدی از اینکه محفل ما را بیارایی از ما دوری می کنی  
ای درّ نجف!»

سیدموسی طالقانی:

أرح العیش علی الرمل الحمی إنه ضحضاح درّ النجف  
و أستلم قدس ضریح قد سما مثل افلاك السماء فی الشرف

«به آسودگی بر ریگ‌های نجف که هر یک درّی هستند آرام بگیر و برابر قدسیتی که به  
مانند آسمان‌ها در شرافت اوج گرفته سر تسلیم فرود آور».

محمود حبوبی:

لو لم تكن بحر جود ما قذفت لنا بدرة في السناتزهو بكيوان

قد أصبحت يا أختا الأفضال معربة عن صفو ودك في سر و اعلان

«دریا این بخشش را نداشت که در را برای ما بیرون اندازد که در والایی به ستاره کیوان می‌رسد. پس ای برادر بافضیلت من چهره بگشا از چهره این دلبر در آشکار و نهان» (مظفر، ۲۰۰۷م، ص ۲۹۰).

در شعر فارسی نیز نمونه‌ای درباره درّ نجف به چشم می‌خورد. مثلاً دهخدا می‌گوید:

روشن دل از محبت شاه ولایتم درّ نجف شود ز صفا سنگ تربتم

در دل دواند ریشه چو موی درّ نجف خطی که راضی از لب لعلش بر آم

### درّ در پزشکی

در علم پزشکی قدیم از خواص سنگ‌های گوناگون مانند عقیق، فیروزه و درّ، بسیار یاد شده است (عقیل، ۲۰۰۷م، ص ۲۰۰). البته هر سنگی خواص درمانی ندارد و چنین ویژگی‌ای را می‌توان در سنگ باارزشی همچون درّ یافت.

برای نمونه دانشمند نامدار ایرانی، ابوعلی سینا، درّ نجف را به شکل شاقولی مخصوص تراشیده بود که امروزه به نام شاقول ابن سینا معروف است. این شاقول چهارصد کاربرد داشته که یکی از آنها، کاربردی شبیه دستگاه‌های عکس برداری، سیتی اسکن و ام‌آر ای است و آن را برای تشخیص بیماری‌های داخلی به کار می‌بردند. این سنگ، مانند سنگ فیروزه و عقیق، هم بر جسم و هم بر روان اثر می‌گذارد و بسیار انرژی‌بخش است.

باید گفت سنگ‌درمانی یکی از رشته‌های مکمل پزشکی است که در شمار درمان‌های طبیعی قرار می‌گیرد. این نوع درمان بیش از هزار سال قدمت دارد. ارسطو و فارابی از قدرت شفابخشی این سنگ گفته‌ها دارند و رومیان باستان نیز از سنگ‌های صیقل داده شده برای دفع شرّ و در جنگ به عنوان زره و شمشیر و سپر بهره می‌بردند تا سالم بمانند (دوری، ۲۰۰۷م، ص ۲۲۳).

اعتماد به نفس، ایجاد آرامش و شادی، تعادل انرژی در بدن، دوری از چشم زخم، تقویت اعصاب و برطرف کردن ترس از دیگر آثار در نجف است.

## بازار دُر نجف

تجارت دُر نجف هنوز به مرحله صادرات و تجارت جهانی نرسیده، ولی به نوبه خود بخش مهمی از بازار نجف را تشکیل می‌دهد. خریداران داخلی، از نقاط گوناگون عراق به ویژه شهرهای مذهبی کاظمین و کربلا و خود نجف هستند.

بازار خارجی در نجف نیز یک فرایند است. دُر نجف پس از جمع‌آوری از سطح بیابان به خارج از عراق منتقل و عملیات تراشکاری در کشور دیگری بر روی آن انجام می‌شود. سپس به نجف باز می‌گردد و آن را به زائران غیر عراقی می‌فروشند. علت نقل و انتقال این است که در نهایت، قیمت محصول ارزان‌تر تمام می‌شود و البته دقت و ظرافت بالاتری خواهد داشت. کشور ایران و افغانستان از کشورهای مقصد در این سنگ‌ها به شمار می‌روند و صد البته که ظرافت کار هنرمندان ایرانی بی‌مانند است.

خریداران نهایی دُر نجف شامل خود عراقی‌ها و ایرانی‌ها و شیعیان دیگر کشورها مانند لبنان، پاکستان، هند و کشورهای حاشیه خلیج فارس و جنوب شرق آسیا و شمال آفریقا هستند.

آمار میانگین تعداد محل کارگاه و فروش دُر در نجف بالغ بر پانصد باب فروشگاه است که در هر روز بین ده تا پنجاه قطعه دُر می‌فروشند. خریداران دُر نجف در هر روز تقریباً نه هزار نفرند که در سال بیش از ۳۲۰ هزار قطعه دُر نجف می‌خرند. اگر متوسط قیمت هر دُر بیست هزار دینار باشد در هر سال نزدیک به شش و نیم میلیارد دینار سود حاصل می‌شود. بر اساس محاسبات، تقریباً هفتاد درصد دُر در داخل عراق و سی درصد به خارج عراق فروخته می‌شود، بنابراین بین هفتاد تا هشتاد درصد مبلغ نهایی سود به خود عراقی‌ها بازمی‌گردد که مبلغ کمی هم نیست (مظفر، ۲۰۰۷م، ص ۲۹۱).

## نتیجه‌گیری

آنچه که شیعیان را بر آن داشته تا بیش از دیگر نگیان‌ها برای انگشتی از در نجف استفاده کنند، جدا از آثار مادی، ثوابی است که برای نگاه کردن به آن در روایات آمده است. ثوابی همچون نگاه کردن به چهره مبارک مولی‌الموحدین امیرمؤمنان علیه السلام که با هیچ مزیت دیگری قابل قیاس نیست. باید توجه داشت که تمام این آثار برآمده از باورهای شیعیان به مقام والای اهل بیت علیهم السلام و روایات ایشان است. از منابع مختلفی در زمینه سنگ‌شناسی از اظهارات متخصصین امر استفاده می‌شود، آنان می‌گویند که در باید هر از گاهی در آب روان شسته و جلوی نور خورشید قرار گیرد تا خشک شود. این توصیه دور از واقعیت نیست. در واقع تجدید قوای در به شیوه پیدایش اولیه آن بازمی‌گردد؛ یعنی همان‌گونه که گذشت زیر باران بهاری شاکله اصلیش پیدا می‌شد و سپس زیر نور خورشید قرار می‌گرفت.

## فهرست منابع

### قرآن کریم

۱. آل محبوبه، جعفر (۱۹۵۸م). **ماضی النجف و حاضرها**، نجف اشرف، مطبعة الآداب.
۲. ابن طاووس حلّی، عبدالکریم (۱۴۱۹ق). **فرحة الغری فی تعیین قبر علیؑ**، نجف اشرف.
۳. اعلمی، ضیاءالدین (۲۰۰۰م). **خواص الاحجار الکریمه**، بیروت، منشورات النور للمطبوعات.
۴. امین، محسن، (بی تا). **اعیان الشیعه**، بیروت.
۵. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق). **وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه**، قم، مؤسسه آل البيت.
۶. دوری، عبدالعزیز (۲۰۰۷م). **تاریخ العراق الاقتصادی**، بیروت، مرکز دراسات الوحدة العربیة.
۷. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۲ش). **لغت نامه**، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۸. شبر، جواد، (بی تا). **ادب الطف**، بیروت، دارالمرتضی.
۹. شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۲ق). **الدروس الشرعیة فی فقه الامامیة**، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۰. طبسی نجفی، محمدرضا (۱۳۹۱ق). **الدرّ الثمین فی التختّم بالیمین**، بیروت، دار الصادق.
۱۱. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق). **تهذیب الاحکام فی شرح المقنعة**، تهران، دار الکتب الاسلامیة.
۱۲. عقیل، محسن (۲۰۰۷م). **موسوعة الاحجار الکریمه المصوّرة الآثار و النقوش**، بیروت، دار المحجّة البيضاء.
۱۳. مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۹ش). **حلیة المتّقین**، تهران، انتشارات لقمان.
۱۴. مظفر، محسن عبدالصاحب (۲۰۰۲م). **التخطيط الاقليمي**، لیبی، دار شموع الثقافة.
۱۵. \_\_\_\_\_، (۲۰۰۷م). **نفحات نجفیة**، بیروت، العارف للمطبوعات.
۱۶. \_\_\_\_\_، (۲۰۱۱م). **مدينة النجف**، بغداد، دار الشؤون الثقافية.
۱۷. نابلسی، عبدالغنی (بی تا). **تعطیر الأنام فی تعبیر الأنام**، قم، منشورات رضی.
۱۸. هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۷۸ش). **فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت**، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی.
۱۹. یوسف، پطرس عواد (بی تا). **تاریخ العراق**، بی جا.